

بیانیه پیرامون اعدام عده‌ای از زندانیان سیاسی

از دست بی‌قانونیها، بی‌عدالتیها و بی‌رحمیها

خدایا به تو پناه می‌بریم

ولایجرمنکم شننان قوم علی الاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی

واتقوا الله ان الله خیر بما تعملون.^۱

از جمله امتیازات بر حقی که متولیان به حاکمیت رسیده امروز، در روزگار طاغوت برای اثبات حقانیت آئین انسان‌دوستی و رحمت اسلام تبلیغ می‌کردند مدارا و محبت یا ملایمت و ملاطفتی بود که پیامبر (ص) و اولیا دین (ع) نسبت به اسرا ابراز می‌کردند، داستان اسیرانی که در دامان اسلام با رفتار کریمانه و جوانمردانه مسلمانان منقلب و متحول شده، جان و مال خود را در راه این آئین فتوت فدا کرده بودند همواره نقل مجالس و خطابه روحانیون بوده است. شیعیان اهل بیت افتخار می‌کنند پیرو امامی هستند که در بستر شهادت ظرف شیر خود را برای ضارب اسیرش می‌فرستد و به فرزندش سفارش اکید می‌نماید که او را عفو نموده و یا در صورت قصاص از حدود مقابله به مثل تجاوز نکند.

شگفتا کار این آئین به جایی رسیده است که مدعیان پیروی از آن امامان، با داعیه ادامه رسالت انبیا، به اینکه نتوانسته‌اند پس از گذشت ۱۰ سال از انقلاب، در زندانهایی که دانشگاهش می‌نامند تأثیری تحول‌آفرین بر خیل عظیم اسیران خود که شمار آنان بی‌سابقه در تاریخ اسلام و ایران است، بگذارند بلکه مجبور شده‌اند کسانی را که از "عقیده" خود برگشته‌اند، روانه دیار عدم نمایند.

ما اگر از آنچه در ماههای اخیر در زندانهای متعدد رژیم در سراسر کشور گذشته است، علیرغم خطرات محتمل آن، ابراز انزجار و اعتراض می‌کنیم به هیچوجه با مواضع سیاسی و عقیدتی گروههایی که با مشی براندازی و شیوه تضاد و تخاصم و خشم و خشونت گره‌های کور بر ریسمان‌هایی این ملت مظلوم زده‌اند موافق نیستیم و آنرا تأیید نمی‌کنیم. کلام و دفاع ما صرفاً به خاطر عدالت و انسانیت و از حق و حیثیتی است که به حکم قرآن و قانون برای بندگان خدا و هموطنان وجود دارد.

اختلاف عمیق سیاسی و عقیدتی نهضت آزادی ایران را با سازمانی که امروز در رقابت قدرت به دامان بیگانه با ایران و ایمان پناهنده شده و با حمایت دشمن به شهرهای میهن حمله‌ور شده، کمتر کسی است که نداند و قهر و کینه آنان را نسبت به نهضت کمتر کسی است که از دستگاه دشنام‌پراکنی آنها نشنیده و در فحشنامه‌هایشان نخوانده باشد. همچنین عدم تأیید و همسوئی و معارضه و مخالفت همیشگی ما با مرام و برنامه‌های مارکسیسم و دشمنی و کارشکنی بنیادی که حزب توده و گروههای چپ، با نهضت آزادی ایران

۱. مائده ۸- مبدا دشمنی با گروهی شما را به گناه ترک عدالت و ادار سازد، عدالت کنید که به تقوی نزدیکتر است و از خدا بپرهیزید که همانا خداوند به آنچه می‌کنید بس آگاه است.

داشته‌اند بر همگان روشن بوده و بدیهی است که این نوشته در انتقاد از حاکمیت در "مقابله قانونی" با توطئه‌های کمونیستی نمی‌باشد یادآوری این موضوع و تأکید و تصریح بر آن از این جهت است که کسانی که عادت کرده‌اند هر حرکت و ندای انتقادآمیزی را با انگ و برچسبی عوامفریبانه سرکوب نمایند، از این شیوه کهنه احتراز نمایند.

گرچه در سایه سانسور حاکم بر جامعه رسانه‌های داخلی، طبق معمول اشاره‌ای به آنچه در زندانها گذشته است نکرده‌اند ولی ناله و ندای داغدیدگانی که جگرگوشه‌های خود را از دست داده‌اند سینه به سینه در سطح جامعه پخش گشته و رادیوهای خارجی آنرا نقل کرده‌اند تا جائی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با ۵۵ رای موافق ۳۸۰ رای ممتنع و تنها ۲۳ رای مخالف قطعنامه‌ای را در نقض حقوق بشر در ایران به تصویب رساند!

آیا برای حکومت جمهوری اسلامی ایران که داعیه نجات مستضعفین جهان را دارد تأسفانگیز نیست که ملل غیرمسلمان مدافع حقوق انسانی اولیه اتباعش باشند و به ما که مدعی پیروی از پیامبر رحمت هستیم درس رحم و انسانیت بدهند؟ آیا تأثرآور نیست که طردشدگان این نظام برای تظلم و عدالتخواهی تکیه‌گاهی جز سازمانهای بین‌المللی نداشته باشند؟

اگر این اعدامها مطابق شرع و قانون اساسی انجام گشته چرا در سکوت و بیخبری و در پشت درهای بسته اجرا شده است؟ چرا خانواده‌های اعدام شدگان تهدید شده‌اند که مبادا گریه کنند، سیاه بپوشند و یا مجلس ختم تشکیل دهند؟ بگذریم از این که اهانت و زخم زبان به مادران و پدران داغدیده و تبریک گفتن به آنان به عنوان این که لکه ننگی را از دامان خانواده شما پاک کرده‌ایم، با هیچ معیار اسلامی و انسانی قابل توجیه نیست.

انگیزه اعتراض ما کشتار گسترده اسرایی از هموطنان است که در سالهای گذشته در دادگاههای همین رژیم و با احکام همین حکام شرع به محکومیت‌هایی کمتر از اعدام، حتی یک سال و دو سال محکوم شده و بعضاً روزهای آخر اسارت خود را می‌گذراندند و خانواده‌هایی قبل از تحویل ساک و لباس خونین، خانه را برای ورود آنها آب و جارو کرده بودند! آیا در جوامع متدین و موحد و در کشورهای متمدن دنیا سابقه دارد که زندانیان محکوم شده را بدون آنکه کار تازه‌ای کرده باشند به جرم ایستادگی بر "موضع عقیدتی" بدون محاکمه یا با محاکمه مجدداً اعدام نمایند؟

سخن از اعدام کسان نیست که در آستانه انقلاب عمدتاً نابالغ بوده و چشم تشخیص خود را روی عملکرد حاکمان امروزی باز کرده‌اند. آیا در کشیده شدن این جوانان به راههای خشونت‌آمیز انفجار و انهدام و توجیهی که برای شدت عمل خود پیدا کرده‌اند، انحصارطلبی‌ها و خشونت‌های متقابل در دانشگاهها و زندانها و در سطح جامعه موثر نبوده است؟ که به فرمایش امیرالمومنین (ع) (آنگاه که مالک اشتر را در مقام ولایت مصر به دلسوزی و لطف و محبت به مردم توصیه و از درنده‌خو بودن نسبت به آنها که در هر حال یا برادر دینی یا ممنوع هستند نهی می‌کند) لغزش‌ها بر آنان پیشی گرفته (شرایط اجتماعی بر اراده آنان تحمیل شده) و موجبات خطا به آنان رو آورده و عمداً یا به خطا در دست‌رسان قرار گرفته است. بنابراین کسی که فوق آنها و ولی امر آنهاست، همانطور که عفو و گذشت خدا را بر خود آرزومند است وظیفه دارد

نسبت به بندگانی که امرشان را عهده‌دار شده در این ابتلای عظیم از آنها درگذرد.^۱
سخن از آثار بلند مدت کینه عمیقی است که در دل خانواده‌های بیشماری که عمدتاً سوابق طولانی مذهبی دارند کاشته شده است و دور نیست که میوه‌های تلخ آن به بار بنشیند و همگان زهر خشونت آنرا بچشند... و یضیق بعضکم باس بعض.^۲

عجبا که پس از گذشت ۱۰ سال از انقلاب هنوز دروازه زندانها باز است و با دروازه دیگری که به ابدیت گشوده می‌گردد روز بروز آمار آزادشدگان از زندگی افزایش می‌یابد.
البته ریاست دیوانعالی کشور رسماً اعلام داشته‌اند: "ما آماده‌ایم با ارائه اسناد و مدارک در یک کنفرانس مسائل مربوط به گروهکهای محارب را اعلام کنیم" و برای آنکه نشان بدهند آنها در سالهای قبل محکوم به اعدام شده بودند اضافه کرده‌اند:

"افراد زیادی از آنها محاکمه شده بودند و حکمشان تأیید شده بود اما به خاطر روال عادی و این که تا آخرین مرحله فرصت توبه و بازگشت به آنها داده می‌شود اجرای حکم به تعویق می‌افتاد اما متأسفانه این افراد نه تنها اصلاح نشدند بلکه از طرق مختلف در زندان دست به تحریکاتی زدند که این تحریکات پس از عملیات مرصاد به اوج خود رسید و به این ترتیب عناد خود را با نظام به اثبات رساندند و آدم محکومی که حکم محکومیتش تأیید شده و به او نیز فرصتی برای اصلاح شدن داده‌اند تازه در زندان مامور زندان را کتک می‌زند."^۳

و مقام ریاست جمهوری جرم اصلی این اسرا را ارتباط پنهانی با گروههای محارب و هماهنگی با آنان در عملیات مرصاد شمرده‌اند.

آیا به راستی همه این اسرا در سراسر کشور چنین تماسهایی داشته‌اند یا بعضاً برای رهایی خود یا پیوستن به مهاجمان ارتباطهایی برقرار کرده بودند؟ آیا باور کردنی است علیرغم برج و باروها و بندوبست‌های متعدد و نگهبانان بیشمار و دستگاههای اطلاعاتی هوشیار، عملیات برون مرزی با همفکری و هماهنگی دسته جمعی زندانیان طراحی و هدایت شده باشد؟ تازه این توجیه‌ها عذر بدتر از گناه نیست؟
از نظر فقهی مگر علمای شیعه اعدام زنان را به جرم ارتداد اجماعاً رد نکرده‌اند؟ و حکم اعدام درباره زنان باکره شرعاً ممنوع نشده است؟ پس چرا تیغ عدالت شما یکسان عمل کرده است؟

واقعیت امر به دلیل گستردگی و عظمت آن، علیرغم ضد و نقیض‌گویی مسئولین، قابل کتمان نیست. امروز در شهرهای بزرگ کمتر فامیلی است که نصیبی از این نعمت (که به قول رادیوهای بیگانه ۱۲ هزار و به قول مقامات مصاحبه کننده کمتر از ۱۵ درصد این رقم قربانی داشته است) نگرفته و بی‌خبر از این ماجرا باشد.

می‌گویند انگیزه اصلی این اعدامها، خلاص شدن و نفس راحت کشیدن از نیروی مخالف بالقوه‌ای بوده است که با تجربه تلخ زندان می‌توانسته است در آینده برای حاکمیت خطر آفرین باشد و خواسته‌اند با

^۱ یفرط منهم الزلل وتعرض لهم العلل ویوتی علی ایدیهیم فی العمد والخطا.

^۲ مژه خشونت یکدیگر را خواهید چشید.

^۳ .== کیهان ۶۷/۹/۲۰.

تصفیه جدی آنها پایه‌های نظام و اقتدارشان را تحکیم بخشند. اگر چنین بوده باشد خوب است نظری به نصیحتی که امیرالمومنین در عهدنامه خود به مالک اشتر در مورد سرکوب خونین مخالفین کرده‌اند بنمایند و عاقبت این شیوه را ارزیابی کنند:

ایاک والدما و سفکها بغیر حلها فانه لیس شی ادنی لئمه ولا اعظم لتبعة ولا احری بزوال نعمة وانقطاع مدة من سفک الدماء بغیر حقها والله سبحانه مبتدی بالحکم بین العباد فیما تسافکوا من الدماء یوم قیامة فلا تقوین سلطانک بسفک دم حرام فان ذالک مما یضعفه و یوهنه بل یزیله و ینقله.

بر حذر باش از خونهای (ی مردم) و ریختن غیر حلال آن، که هیچ عاملی در نقیمت (پیدایش ناهنجاریهای اجتماعی) موثرتر و از نظر تبعات و عوارض سوء عظیم‌تر و در زوال نعمت و کوتاه شدن مدت (عمر حکومت) شتاب‌آورتر از ریختن خونهای به ناحق نیست و خداوند سبحان در روز قیامت داوری میان بندگان را از خونهای که از یکدیگر ریخته‌اند آغاز می‌کند. پس مبدا (پایه‌های) سلطه خود را با خونریزی حرام تقویت کنی که چنین رویه ای نه تنها موجب ضعف و سستی حکومت می‌شود بلکه آنرا زائل ساخته و (به نظام دیگری) منتقل می‌سازد.

و ان ربک لبالمرصاد

نهضت آزادی ایران

دی‌ماه ۱۳۶۷

www.iran-archive.com